

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: دکتر عدنان*

برگردان از: احمد مزارعی

۱۴ جولای ۲۰۲۱

ای قاتلان ملتها... اینست آنچه که شما برای لبنان می خواهید



آنچه که اسرائیل نتوانست در جنگ تجاوزکارانه اش در سال ۲۰۰۶، با همکاری امریکا و همپیمانان اروپائی و منطقه ئی خود متحقق سازد، اکنون واشنگتن می خواهد به نیابت از همگان و به وسیله تصفیه حسابهای مسالمت آمیز با مقاومت، از طریق تشدید خفقان و فشار معیشتی بر ملت لبنان به دست آورد. واشنگتن می خواهد لبنان را به زانو درآورد، و مسئولیت کامل انهدام اقتصادی، مالی و معیشتی و هرآنچه را بعد از آن اتفاق می افتد به گردن حزب الله و مجموعه های دوستداران و طرفداران و حمایت کنندگان وی بیندازد. با علم به این که امریکا بخوبی می داند چه کسانی در پشت انهدام سیستم مالی و معیشتی مردم قرار دارند، و مسببان اصلی آن چه کسانی هستند. اگر امریکا و در همراهی با وی اتحادیه اروپا نیت صادقانه ای برای نجات لبنان داشتند به فوریت عمل می کردند و لبنان را از محنت موجود نجات می دادند، آنها امکان داشتند در ابتدای شروع بحران تصمیمات لازم را اتخاذ کنند و علیه کسانی که لبنان را به سوی جهنم سوق می دادند اقدامات جدی به عمل آورند، به ویژه که امریکا و فرانسه به مسائل پشت پرده و آنچه که در خفا می گذشت و حقیقت آنچه را که در لبنان به دست هم پیمانانشان جریان داشت و دیگرانی که در رکابشان پا می زدند و از آن سیاستها پشتیبانی می کنند، کاملاً آگاهی داشتند.

اگر واشنگتن حقیقتاً می خواست به لبنان کمک کند و از بحران موجود و وضعیت اقتصادی فاجعه بار نجاتش دهد، با تمام قدرت از حکومت حسان دیاب، قبل از استعفایش حمایت می کرد، امریکا می توانست بخوبی چهره کسانی که کشور را ورشکست کرده اند و اموال مردم را به خارج قاچاق کرده و اموال مردم را آشکارا سرقت کرده اند. آشکار کند، توانائی

وقدرت فشاری که امریکا داشت می توانست به کار بگیرد و آنها را تحریم کرده و وادارشان کند تا کارهای نادرست خود را تصحیح کنند، اما امریکا عامدانه نخواست مانع کار آنها شود، به عکس امریکا لبنانیها را در سراسر جهان تعقیب می کند وزیر فشار می گذارد تا ببیند چه نوع ارتباطی و پابندی با محور مقاومت دارند، به ویژه در مورد حزب الله تا در آینده بتواند آنها را به صورت گروهی دستگیر و قصاص و در دادگاههای امریکا آنها را محاکمه کند.

البته واشنگتن خواستار نجات لبنان، اما به شیوه خاص خود می باشد. و البته پس از تغییرات و فعل و انفعالاتی که در کشورهای منطقه به وقوع پیوسته است و واشنگتن همه این تغییرات را در حسابات خود در نظر می گیرد، با در نظر گرفتن همه این امور حساس منطقه ای و وضعیت در حال انفجار لبنان، که بارزترین آنها به قرار زیر است:

۱ - گسترش مقاومت مسلحانه به ضد اشغالگران امریکائی و تمرکز این مقاومت مسلحانه در سوریه و عراق و در مقدمه شروع غرق شدن واشنگتن در باتلاق عراقی و در ادامه اقدامات عملیات نظامی ویژه به ضد اشغالگران امریکائی در عمق سرزمین عراق ادامه خواهد یافت.

۲ - درهم پاشی نیروی نظامی امریکا در افغانستان پس از بیست سال از اشغال نظامی این کشور به قصد نابود کردن القاعده و طالبان - و علی رغم صدها هزار نفر قربانی به دست نیروهای امریکائی و خرابیهای وحشتناک، استفاده از خشن ترین نوع عملیات نظامی علیه مردم مظلوم افغانستان، صرف صدها میلیارد دلار در یک جنگ بیهوده و هم اکنون واشنگتن زبانه و پس از شکست خفت بار، خود را مجبور می بیند که از افغانستان خارج شود و این در حالی است که حرکت طالبان خود را آماده می کند تا مجدداً قدرت را به دست بگیرد.

۳ - علی رغم همه فشارهای سیاسی، اقتصادی و مالی که واشنگتن بر لبنان وارد آورد تا چرخهای کلی جامعه لبنان را به آنسو بکشد تا در خلال آن افکار عمومی لبنان را به ضد مقاومت سوق دهد و این را که هر آنچه که در لبنان از متلاشی شدن اقتصادی و معیشتی و خدماتی می گذرد، متوجه حزب الله نماید، اما این سیاست امریکا باشکست رقت باری روبه روشد، همچنین تبلیغات گسترده و متحدانه ای که از طرف رسانه های وابسته به آنها و عوامل داخلی شان که بر مقدرات لبنان تسلط پیدا کرده اند، اینچنین تبلیغ می کردند که گویا حزب الله لبنان بر دولت و تصمیم گیریهای آن تسلط دارد، و حزب الله دولتی در دولت است و اسلحه حزب الله امنیت و آرامش کشور را تهدید می کند، اما همه این تبلیغات مغرضانه نتوانست نتیجه پیش بینی شده آنها را پاسخ دهد، چه اگر حزب الله بر مقدرات کشور تسلط داشت اجازه نمی داد که این بحران و تلاشی اقتصادی اتفاق بیفتد و یا اجازه نمی داد تا فاسدان، لبنان را غارت و اموال مردم را سرقت کنند، همه این سروصداها و تبلیغات گسترده بعد از سالها به مثابه نواری تکرار اندر تکرار درآمد که دیگر در لبنان کسی به آنها گوش فرا نمی داد.

۴ - همه فشارها و سیاستهای امریکا نتوانست ایران را تضعیف و یا از قدرت و تواناییهایش بکاهد و یا از تأثیر ایران و عملکردهایش در منطقه و گسترش آن جلوگیری کرده و یا ایران را وادار کنند که از مقابله با سیاستهای تسلط جویانه غربیها عقب نشینی کند و یا در برابر تجاوزات رژیم اشغالگر اسرائیل سکوت کند و این که کمکهای گوناگون و گسترده به نیروهای مقاومت منطقه را متوقف کند، چه این کمکها می توانست علیه اشغالگران اسرائیلی سرزمینهای فلسطین باشد و یا به ضد اشغالگران امریکائی در سوریه و عراق باشد.

۵ - نگرانی امریکا از این است که لبنان متوجه رابطه با ایران، چین و حتی روسیه گردد، از آن مهمتر این که پس از امضای تفاهنامه ای میان چین و لبنان و پیشنهادات کمکی که چین به لبنان ارائه داده است، برای امریکا نگران کننده است. تفاهنامه لبنان بعد از قرارداد ۲۵ ساله میان ایران و چین که مبلغ چهارصد میلیارد دلار از طرف چین در ایران

سرمایه‌گذاری می‌شود به امضاء رسید ، و یا بعد از قرارداد مهمی که چین با عراق امضاء کرده و به موجب آن چین به ساخت پروژه های بسیار عظیمی در عراق دست می‌زند.

۶ - شکست امریکا و هم پیمانان اروپائی اش و اسرائیل در شکست امیدهایی که بر روی کشورهای مرتجع منطقه به مثابه «اسب تراودا» بسته بودند که بتوانند دولتهای ملی سوریه و عراق را از طریق کمک به گروههای تروریستی ساقط کنند و سپس با تشکیل دولتهای طایفه‌ئی در این کشورها که گوش به فرمان خودشان باشند و سپس تقسیم این کشورها به اجزای کوچکتر که به طور دایم در دایره منافع آنها حرکت کنند، هم اکنون این طرح با شکست کامل روبه رو شده است.

۷ - رشد روزافزون و عملکرد مقاومت فلسطین در غزه و همچنین دارا بودن اسلحه های بسیار پیشرفته ای که تا کنون سابقه نداشته است، باعث دلهره اشغالگران و همچنین ترس و وحشت غریبه ها و هم پیمانان منطقه ئی آنها شده است، این وضعیت نه فقط بر عظمت قدرت مقاومت فلسطین افزوده است ، بلکه موجب تحکیم بیشتر قدرت «محور مقاومت منطقه» در مجموع گردیده است، که هردوی آنها در دایره ستراتیژیک متحدی درکل محور قرار دارند.

۸ - علی رغم همه فشارها و موانع تراشیهایی هیمنه غربی و نفوذ آنها در لبنان ، نتوانستند لبنان را از محیط و شرقی بودن خود که یکی از دو ریه تنفسی سوریه می باشد جدا کنند و یا آن را از هماهنگی و همکاری با ایران با هر حجمی، برایش مانع تراشی کردند ، با این هدف که لبنان را منزوی و منفرد کرده و آن را به داخل غرفه اطاعت امریکا وارد کنند.

۹ - ناراحتی امریکا و اتحادیه اروپا از حجم نفوذ روزافزون روسیه در حوزه منطقه «مشرقی»، از خلال فعالیتهای زنده و حضور سیاسی و دیپلماسی قابل ملاحظه وی و تمرکز نظامی قدرتمند آن در پایگاه «حمیمیم» در سوریه بسیار زیاد است. از این منظر شاهدیم که همه گونه فشار و با هرگونه قدرت از طرف امریکا بر لبنان وارد می شود تا از هرگونه نزدیکی و هماهنگی و یا همکاری اقتصادی و یا در زمینه توسعه و یا ساختاری مشترک و یا پذیرش هرگونه کمک که از جانب روسیه ، سوریه، عراق، ایران و یا چین پیشنهاد می شود مورد قبول لبنان قرار نگیرد، و هدف اینست که لبنان در قبضه و اشنگتن و هم پیمانانش باقی بماند و مطلقاً اجازه نیابد تا از نفوذ امریکا و هیمنه آن خارج شود، و بدین طریق امریکا بتواند از طریق دولت عمیق و وابسته به خود در لبنان تأثیر و تسلط خود را بر لبنان حفظ و اعمال نماید.

۱۰ - بر طبق گزارش معاون وزیر خارجه امریکا در منطقه شرق دور، جفری فیلتان، در مقابل اعضای کنگره امریکا و در جلسه ویژه ای که برای بحث در مورد حزب الله لبنان در تاریخ هشتم جون ۲۰۱۰، تشکیل شده بوده است، تا چگونه بتوانند چهره حزب الله را در نزد جهانیان تخریب کنند ، در این دوره علی رغم این که امریکا دچار بحران مالی بوده است و اوضاع معیشتی مردم فاجعه بار بوده است ، اما امریکا برای موضوع مورد بحث مبلغ ۵۰۰ میلیارد دالر به مصرف می رساند، ولی نه فقط نمی تواند تأثیری منفی بر روی حزب الله بگذارند بلکه محبوبیت مقاومت و آمادگی اش در نزد عامه مردم بیشتر و عمیقتر می گردد.

تا این لحظه آمادگی، همبستگی و قدرت مقاومت به طور کامل حفظ شده است.

در مقابل این حقایق، امریکا می خواهد با فشار بر لبنان آنچه را که می خواهد بر این کشور دیکته کند تا آن را مجبور به پذیرفتن شرایط خود کند و به زبانی دیگر لبنان را به زیر حلقه «مقررات بین المللی و ملل متحد» برگرداند و آنچه را که می خواهد به اجراء درآید که یکی از شرایط آن موافقت نخست وزیر لبنان است. از این نظر ضرورت دارد که نخست وزیر لبنان برنامه ای صریح و واضح داشته باشد ، به ویژه در مورد انطباق دو مصوبه ملل متحد به شماره های ۱۵۵۹ و ۱۷۰۱، و همچنین خلع سلاح مقاومت و قراردادن اسلحه آن در دست ارتش، همچنین انتشار نیروهای ملل متحد در سراسر مرزهای لبنان با دستاویز حفظ امنیت و تضمین استقرار کشور و دور کردن مقاومت از مرزها و سپس محاصره آن در دایره ای بسیار کوچک که در آینده بتوان به آسانی مقاومت را خلع سلاح و از دور خارج کرد.

این برنامه ها دراصل زمینه را برای باز گرداندن مذاکرات غیر مستقیم با اسرائیل فراهم می کند و تنها در چهارچوب مسائل اقتصادی محصور می ماند و زمینه را برای به رسمیت شناختن اسرائیل از طرف لبنان فراهم می آورد و در ادامه لبنان را وامی دارد تا برنامه «عادی سازی روابط» با اسرائیل را بپذیرد که منظور همان پذیرش «معامله قرن» می باشد و اسکان آوارگان فلسطینی در شمال لبنان نیز بخشی از این برنامه است (۱) که بدون شک به رسمیت شناختن اسرائیل و پایان دادن به حقوق فلسطینیها و از میان برداشتن مقاومت در پی دارد.

با وجود مقاومت لبنان و همچنین وجود محور مقاومت منطقه پشتیبان آن ، امکان ندارد این برنامه استعماری به حیطه عمل درآید.

واشنگتن و هم پیمانانش باید محور مقاومت و همچنین مقاومت لبنان وضدیت آنها با طرحهای استعماری فوق را دائماً در نظر داشته باشند.

اما امید واشنگتن بر روی بعضی نیروهای داخلی لبنان است که در آینده با کمک آنها برنامه خود را پیش ببرند ، به طوری که اخیراً ندهائی اینجا و آنجا شنیده می شود و درخواست می شود که لبنان را بیطرف از مسائل منطقه دور نگه داشته و درخواست حضور نیروهای بین المللی و برقراری فدرالیسم می نمایند و با درخواست دخالت نیروهای بین المللی و مطالباتی که در خدمت تقسیم لبنان می باشد، می کوشند با طرح فدرالیسم عواقب وخیم آن را نادیده انگارند.

اما واشنگتن که در این مسیر حرکت می کند ، بزودی خود را با طریقی مسدود و موضع گیریهای بسیار سرسختانه و مخالفت مطلق ملت لبنان روبه رو خواهد دید که به این طرح مشکوک به شدت به مخالفت برخواند خاست. واشنگتن به سهولت شکست برنامه خود را نخواهد پذیرفت ، بلکه کوشش خواهد کرد تا لبنانیها را دچار تفرقه کرده و آنها را به ضد یک دیگر تحریک کند و آنان را به سوی هرج و مرج داخلی بکشاند و مردم را به رودر روئی با یک دیگر بکشاند و سپس به طریقه امریکائی «بعضی» را وادار نماید تا از امریکا درخواست «کمک برای نجات» نمایند و از بیگانگان و نیروهای بین المللی درخواست دخالت کنند، حتی اگر این دخالت خارج از موافقت ملل متحد باشد، تا بدینوسیله لبنان را در برابر عملی انجام شده قراردادده حتی اگر این دخالت به قیمت منهدم شدن لبنان و قتلعام ملت لبنان تمام شود ، اما به این بعضیها می گوئیم:

«هشدار! از بازی کردن با آتش، برای این که این آتش همه را خواهد سوزانید و وطن را به طور کامل ویران خواهد کرد، و تنها «نیروهای سلطه گر بین المللی و پایگاه آنها در منطقه یعنی اسرائیل، مستفید خواهند شد»

به توهمات و ماجراجوئی دچار نگردید و به واشنگتن و نیروهای بین المللی آن چشم نبندید، زیرا در اینجا ملتی باکرامت و مقاوتی به سختی پولاد حضور دارد . از ملتهای امریکای لاتین بپرسید و از سایر ملتهای جهان که چه دردها و زجرها از دخالت نیروهای بیگانه، استعماری و استبدادی کهنه و یانکی جدید متحمل شدند، از این طریق حقیقت را درخواهید یافت، باید از آنها عبرت بگیرید و به موقعیت و افتخارات ملی و درست خود بازگردید تا سراب شما را در خود نگیرد و در باتلاق غرق نگردید.

***- دکتر عدنان منصور، وزیر خارجه سابق لبنان**

سایت «البناء» لبنان ، ۲۱/۴/۱۴۰۰

زیرنویس مترجم:

۱ - در سال ۲۰۰۴ که امریکائیها عراق را در اشغال داشتند برای حل مشکل آوارگان فلسطینی دوطرح داشتند، ابتداء قرار گذاشتند تا با پرداخت پنج میلیارد دلار به رفیق حریری نخست وزیر وقت لبنان، وی را قانع کنند تا آوارگان

فلسطینی غزه را در شمال لبنان اسکان دهد ، اما حریری علی رغم رابطه اش با امریکا و عربستان، اما روحیه ملی گرائی داشت و این طرح را نپذیرفت لذا امریکائیها وی را ترور کردند تا با ایجاد اغتشاش در لبنان، ابتداء ارتش سوریه را که به موجب موافقت ملل متحد برای حفظ امنیت به لبنان دعوت شده بود بیرون کنند و سپس با اتهام حزب الله و دولت سوریه به قتل حریری برنامه انتقال آوارگان فلسطینی را به لبنان خود اجراء کنند که این طرح به طرز مستهجنی با شکست روبه رو شد و/....

و طرح دوم قرار شد بعد از «انقلاب رنگی» مصر که امریکائیها اخوان المسلمین را بر سر کار آوردند، اینبار با محمد مرسی رئیس اخوان المسلمین قرار گذاشتند تا با پرداخت هشت میلیارد دلار به وی شهر بزرگی در صحرای العریش مصر بسازند و اهالی غزه را به آنجا منتقل کنند که این طرح نیز با شکست کامل و مفتضحانه اخوان المسلمین و سقوط محمد مرسی و «گم و گور شدنش» عقیم ماند و بقیه را که هم اکنون همگی شاهد شکستهای پی در پی امریکا در منطقه روبه رو هستیم.